مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و حداکثر در ۶۰۰ کلمه با درج عنوان به آدرس politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.

قوم‌گرایی و توسعه ملی

صالح صالحی

نگاهی به فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ مؤید آن است که دایره اعتماد میان افراد و به‌تبع آن نهادها و سازمان‌ها و مؤسسات بسیار اندک و محدود است. یکی از آثار این کم‌اعتمادی، واگذاری نقش‌ها در نظام اجتماعی و نظام سیاسی بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی است. با ورود تجدد به کشور و افزایش مراودات و ارتباطات با جهان توسعه‌یافته و مدرن در فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایران با دو سطح فرهنگ روبه‌رو هستیم:

اول: فرهنگی با رفتارهای عقلانی، قانونمند و با دقت بر تشکیل جامعه مدنی و رعایت حقوق شهروندی و تشکیل احزاب.

دوم: فرهنگی با رفتارهای غریزی، عشیره‌ای و قومی و متعصبانه.

بسیاری از کشورها این دوگانگی را تجربه کرده، اما به‌تدریج توانسته‌اند از ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های فرهنگ عشیره‌ای و قومی فاصله بگیرند و به فرهنگ باثبات و امن قانونمندی و حقوق شهروندی و تشکیل جامعه‌ای مدنی دست یابند.

نتیجه شبکه رفتار فرهنگی- سیاسی مبتنی‌بر عشیره و قوم، توقف رشد نظام اجتماعی و عدم شکل‌گیری جامعه‌ای مدنی و معقول است. فرهنگ سیاسی مبتنی‌بر عقلانیت به اجماع نظر در اصول کلی منتهی می‌شود که در دوره‌های گذشته تاریخی ایران، به علت تفوق فرهنگ قومی و وجود حاکمیت‌های قومی، به نتیجه نرسیده است. تاریخ ایران سراسر شاهد رقابت اقوام و در نهایت پیروزی یک قوم چون قاجار و زند و افشار و نشستن بر مصدر امور و حذف اقوام دیگر از قدرت است.

نظم و سازماندهی بشری به‌شدت مبتنی‌بر عقلانیت فرهنگی است و منظور از عقلانیت فرهنگی، خروج از غریزه و رفتار غریزی و ورود به رفتار استدلالی سازمان‌یافته و منظم و مبتنی‌بر ادراک متقابل است. عقلانیت فرهنگی، خویشاوندی را نفی می‌کند. در فرهنگ سیاسی پیشرفته و توسعه‌یافته، قانون و نهادها و سازمان‌های واسط و احزاب از حقوق و منافع فرد در برابر قدرت حمایت می‌کنند. حمایت قانون از شهروندان بدون تبعیض و سوگیری بوده و معیار قضاوت، اطلاعات جمع‌شده واقعی است. درحالی‌که در فرهنگ عشیره‌ای و قومی، خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی و احساس تعلق به گروه قومی، موجب حمایت از فرد است. در چنین نظامی مبنای قضاوت، اطلاعات واقعی و استدلال نیست؛ بلکه قومیت تعیین‌کننده حکم صادره است. در نظام قومی، سازماندهی انسان‌ها براساس قوم و عشیره است، نه براساس حرفه و تخصص. سازماندهی براساس تخصص و حرفه، فراورده عصر تجدد و ویژه جوامع توسعه‌یافته است.

تعصب قومی همواره همراه با رقابت خواهد بود. رقابت برای حفظ حریم و قدرت و تضعیف قدرت رقیب. در چنین ساختاری اقوام مختلف رقیب هم هستند و رشد جمعی وجود ندارد و اقوام به طور مداوم مشغول رقابت و تضعیف هم خواهند بود. در ساختار قومی به علت تعلقات و تعصب قومی، وقتی فردی از قوم، ارتقای اجتماعی پیدا می‌کند، تلاش می‌کند تا سایر اعضای قوم از مزایای بیشتری برخوردار شوند. تأکید بر عنصر خویشاوندی دو اثر روان‌شناختی اجتماعی در پی دارد:

نخست مرز خودی و بیگانه براساس معیارهای قومی تعریف می‌شود. بنابراین معیارهای فراگیرتر مانند تخصص، منافع سرزمینی و ملی جایگاهشان تضعیف می‌شود.

دوم اینکه چون دایره قومی محدود است، تعریف محدودی از خودی و تعریف وسیعی از غریبه و بیگانه به دست می‌آید که نتیجه آن تضعیف وحدت ملی و نابودی ارتباطات تنگاتنگ افراد ملت است.

در ساختار قومی به علت محدودیت‌های ناشی از تعاریف قومی، اعتماد افراد به دیگران کاهش می‌یابد و احساس ناامنی و بی‌اعتمادی باعث می‌شود نقش‌های مهم به افراد مورد اعتماد واگذار شود و در نتیجه مشاهده می‌شود که نقش‌های سیاسی و ائتلاف‌ها، بر پایه روابط قومی و خویشاوندی تقسیم می‌شود. در چنین جایگاهی سخن از لیاقت و صلاحیت افراد و منافع سازمانی یا ملی جایگاهی نخواهد داشت و جامعه از مسیر توسعه کنار مانده و رو به قهقرا می‌رود.

اهمیت‌دادن به کارایی افراد و تخصص‌گرایی و قانونمندی شغلی و تلاش در راستای اهداف سازمانی از الزامات تجدد و توسعه است. در نظام توسعه‌یافته و مدرن، مبنای کار جمعی و سیاسی بر اعتماد است و بنیان این اعتماد روابط قومی نیست بلکه تعهد سازمانی و ملی افراد است. اینکه در ایران ویژگی‌هایی چون فردگرایی از نوع منفی، بی‌اعتمادی، نهادگریزی، خویشاوندگرایی، هزارفامیلی، بی‌قانونی، بحران هویت ملی و فرایند ناقص کشور - ملت‌سازی، نمود بارزی دارد، به علت پایداری فرهنگ سیاسی قومی و عشیره‌ای در این سرزمین است. وجود قرن‌ها حاکمیت‌های قومی در ایران موجب ایجاد چنین فرهنگی شده است. مفاهیم جدید از تجدد، همانند مفهوم شهروندی و جامعه مدنی و احزاب در این سرزمین بسیار نوپاست و چند دهه از عمر آن نگذشته است و هنوز فرهنگ قانونمندی، نهادسازی و قاعده‌مندی پیشرفت چندانی در این کشور نیافته است. تشکیل و قوام یک فرهنگ سیاسی همواره مهم‌تر از نظام سیاسی است. زیرا تداوم داشته و طولانی‌مدت است و مانند اقتصاد یا ساختار اداری حاکمیت نیست که باسرعت تحول یابد. ازهمین‌رو، بحث منابع تغییر و تحول فرهنگ سیاسی بحث مهمی است. در مبانی سیاسی فرهنگ قومی، جمعیت بیشتر قوم، موجب تقویت جایگاه قوم در برخورداری از منابع است. در فرهنگ قومی، کشور از مجموعه‌ای از اقوام تشکیل شده که برای کسب منابع، ثروت و کسب سمت‌ها در دولت مرکزی، با هم در رقابت و تعارض هستند؛ بنابراین در تقسیم مسئولیت‌ها، قومیت ارجح بر لیاقت و کفایت است. نتیجه این نوع فرهنگ، تضعیف یا حتی تشکیل‌نشدن دولت ملی است و این منشأ همان گرفتاری‌هایی است که دولت‌های افغانستان و لبنان درگیر آن شده‌اند. جایی که رقابت‌های قومی تشدید می‌شود، کمک‌گرفتن از قدرت خارجی از سوی اقوام یا سوءاستفاده قدرت‌های خارجی از رقابت‌های قومی، پیش‌بینی‌پذیر خواهد بود.

ادامه در صفحه ۷

توانمندی هم‌جوشی با جریان‌های سیاسی

محمد خانه‌زر

ظهور گفتمان‌های جدید در عرصه سیاسی- اجتماعی ایران و ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی را می‌توان ناشی از تأثیر تحولات داخلی و بین‌المللی دانست. درواقع با ارتحال امام خمینی(س) بنیان‌گذار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و پایان جنگ تحمیلی، عرصه سیاسی- اجتماعی کشور شاهد ظهور و شکل‌گیری گفتمان‌های نوین و عرصه رقابت این گفتمان‌ها بوده است. شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی در دوم خرداد ۱۳۷۶ با محوریت توسعه سیاسی و طرح مفاهیم جامعه مدنی، آزادی، قانون‌گرایی، جمهوریت و مردم‌سالاری و نیز پیدایش گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سال ۱۳۸۴ را می‌توان تحت‌تأثیر عوامل ذهنی و عینی و ضرورت تغییر در فضای گفتمانی جامعه ایرانی دانست. انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ زمینه شکل‌گیری گفتمان نوین دیگری با نام «گفتمان اعتدال»را در فضای سیاسی- اجتماعی ایران و ذیل گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم کرد. هرچند زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان اعتدال به قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم بازمی‌گردد، اما همراهی و حمایت از آقای روحانی و در نهایت پیروزی ایشان در این انتخابات بیانگر عزم و تلاش جدی همه گروه‌ها، جریان‌های سیاسی و تشکل‌ها و مردم جامعه برای تغییر اساسی در فضای گفتمانی کشور بوده است. براین‌اساس شکل‌گیری و تثبیت گفتمان اعتدال نتیجه ائتلاف طیف‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف همچون اصلاح‌طلبان سنتی، اصلاح‌طلبان مدرن، محافظه‌کاران سنتی، اصولگرایان میانه با اعتدالگرایان و اجماع اساسی بر نامزدی آقای روحانی بوده است.

اما آنچه در شکل‌گیری و هژمون‌شدن گفتمان اعتدال در عرصه سیاسی- اجتماعی کشور بسیار مؤثر بوده و این گفتمان را در مقایسه با سایر گفتمان‌ها متمایز کرده است؛ نقش نخبگان سیاسی و نظریه‌پردازان این گفتمان در طراحی گفتمانی است که از توانایی هم‌جوشی سیاسی، جذابیت مفاهیم و شاخصه‌ها، قابلیت و دامنه ائتلاف و قابلیت همبستگی اجتماعی بسیار بالایی برخوردار است و توانسته است که همراهی و همسویی اکثریت جریان‌های سیاسی و نیز اکثریت مردم جامعه را با خود داشته باشد. گفتمان اعتدال که مهم‌ترین ویژگی آن ایجاد تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت است، توانسته تا ثبات و آرامش نسبی را در جامعه ایجاد کند که در این فضا همه جریان‌های سیاسی در عین اختلافات موجود بتوانند برای کسب جایگاهی از قدرت سیاسی در چارچوب قانون و به دور از تفکر «حذف دیگری» به رقابت سازنده بپردازند.

علاوه‌براین، این گفتمان توانسته است در عرصه سیاست خارجی با واقع‌بینی و تصمیم‌گیری بر مبنای عقلانیت، تقابل را به تعامل سازنده و گفت‌وگو تبدیل کرده و زمینه ارتقای جایگاه و منزلت جمهوری اسلامی ایران را در عرصه داخلی و بین‌المللی و نیز توسعه و تعالی کشور را فراهم کرده و میان منافع ملی و مصالح اسلامی تعادل را ایجاد کند.

با این اوصاف به نظر می‌رسد که گفتمان اعتدال با توانمندی و قابلیت و دامنه ائتلاف و نیز قابلیت همبستگی اجتماعی همچنان گفتمان برتر و حاضر در عرصه سیاسی- اجتماعی کشور است و با این توانمندی و قابلیت‌ها می‌تواند در ادامه مسیر، اکثریت جریان‌های سیاسی کشور و افراد جامعه را با خود همراه کند. اکنون همه جریان‌های سیاسی کشور به این نتیجه مهم رسیده‌اند که خیر و صلاح، منافع و مصالح عالیه نظام و کشور در اعتدال توأم با عقلانیت است؛ اعتدالی که در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه قرآن مجید و نهج‌البلاغه همواره بر آن تأکید شده و امت اسلام را امت وسط و متعادل معرفی کرده است.

تحلیلی کوتاه بر واژه «رجل سیاسی»

پری‌سیما سادات‌ماجدی- زهرا علی‌اکبری

سازگاری و انطباق با شرایط محیطی و موقعیت‌های جدید برای آسایش بهتر و بهره‌مندی بیشتر از نعمات خداوندی ازجمله مواردی است که در زندگی انسان در تاریخی به قدمت خلقتش وجود داشته است و از مسائلی است که همواره مورد تأیید و تأکید صاحب‌نظران زیستی، اجتماعی، فرهنگی و... بوده است. از بیان دیدگاه‌های اندیشمندان، می‌توان دریافت که سازگاری و به دنبال آن تغییر نه‌تنها حکم اشتباهی نیست؛ بلکه در راستای رفاه و آرامش موضوعی مهم تلقی می‌شود. این سازگاری و تغییر در جنبه‌های مختلفی از زندگی آدمی نمود داشته؛ به‌طوری‌که حتی در تبیین احکام دینی هم گاهی مفسران با توجه به موقعیت‌ها و موضوعیت‌ها دست به تفسیر دیگری از احکام زده‌اند. دین اسلام به حاکم اسلامی و ولی فقیه این وظیفه را محول می‌کند تا درصورتی‌که انجام قوانین اولیه در هنگام خاصی برای جامعه اسلامی امکان‌پذیر نباشد و مصلحت محکمه‌پسندتری وجود داشته باشد، حاکم طبق احکام ثانویه وظیفه افراد جامعه را در آن شرایط خاص بیان می‌کند که به آن، حکم حکومتی به معنای خاص گفته می‌شود؛ بنابراین حتی پس از حکم ثانوی که از احکام اولیه استخراج می‌شود، حکم دیگری نظر به شرایط، امکان تبیین دارد که حکم حکومتی نامیده می‌شود. مقدمه گفته‌شده برای ورود به این بحث است که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرایط احراز مقام ریاست‌جمهوری بیان شده است.

رئیس‌جمهوری باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب شود: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

شاخص رجل مذهبی و سیاسی‌بودن در اصل ۲۳ قانون اساسی ، از مواردی است که ابعاد جنسیتی و شخصیتی آن غیرقابل احصاء و تعریف‌نشده باقی مانده است و هر چهار سال در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری تا حدودی به آن پرداخته و بی‌جواب باقی گذاشته می‌شود. در این مجال چند نکته برای بیشتر روشن‌شدن ابعاد جنسیتی این ویژگی در اصل ۱۱۵ قانون اساسی اشاره می‌شود:

۱- تردیدی نیست که «رجال» در معنای لغوی به معنی مردان است و برداشت عامه از آن این خواهد بود که رئیس‌جمهوری حتما باید از میان مردان باشد؛ اما طبق احکام اسلامی و حکومتی تنها امری که مختص مردان است و زنان از آن بهره‌مند نشده‌اند، ولایت فقیه است و با این اوصاف در احراز پست ریاست‌جمهوری خاصه جنسیتی نیامده است. به یقین این از اشکالات است که در متن قانون اساسی کشوری فارسی‌زبان از کلمه‌ای عربی استفاده شود، چنانچه در اجرا و تفسیر آن دوگانگی درک و برداشت به وجود می‌آید. اگر نظر و هدف طراحان صرفا مردان و تعیین جنسیت خاص برای مقام ریاست‌جمهوری نبوده است، چه لزومی دارد که به جای کاربرد واژه‌ای مبرهن، سلیس و دریافتنی، از کلمه غریب «رجال» استفاده شود.

بازگشت به خطوط و اصول قانون اساسی و تغییر این کلمه به واژه‌ای که جامعیت داشته باشد و فهم سریعی از جنسیت را در بر بگیرد، حداقل کاری است که می‌توان برای رفع ابهام اصلی تا این حد مهم و ضروری انجام شود؛ بنابراین تا اینجا تنها نقد وارده بر استفاده‌نکردن مناسب و مطلوب از کلمه‌ای فارسی برای بیان روشن موضوع است یا نبود تعریفی قانونی در زیر آن اصل که «رجال» را معنا کند.

درحال‌حاضر تعاریفی که از «رجال» در این اصل وجود دارد، نظرات شخصی دولتمردان، فعالان و سیاست‌مداران است که هیچ‌گاه به استناد قانون اساسی نرسیده است.

۲- اگر قصد از بیان کلمه «رجال» تنها مردان حائز شرایط بوده، نباید انتظار داشت در زمان ثبت‌نام کاندیدای ریاست‌جمهوری، حضوری از زنان مطرح شود؛ درحالی‌که بارها دیده شده در کنار مردان، زنان هم برای ثبت‌نام اقدام کرده‌اند و این برگرفته از همان شفاف‌نبودن اصل ۱۱۵ قانون اساسی است.

ادامه در صفحه ۷

آینه

آفتاب

روحانی مراقب باشد به خودش نبازد

● **ابراهیم اصغرزاده:** ممکن است روحانی در یک میدان بی‌رقیب به خودش ببازد. اولا به دلیل اینکه باید از وضع موجودی که خودش فراهم آورده دفاع کند. روحانی بی‌رقیب یعنی تمام‌قد مسئولیت آنچه بوده و هست را بپذیرد. ثانیا فاقد رقیبی شده که وجودش می‌توانست به تحریک و بسیج هواداران دولت منجر شود. اصلاح‌طلبان هم که تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد او گذاشته‌اند بازنده میدان بی‌رقیب خواهند بود. یک دلیل باخت کلینتون این بود که دموکرات‌ها ناچار شدند از دستاوردهای دولت اوباما که به‌ظاهر مثبت هم بود دفاع کنند. در حقیقت به خودشان باختند. وقتی کارزار انتخاباتی رقابتی و قطبی باشد بخش تماشاچی، قهر کرده و تحریمی پای صندوق‌های رأی می‌آیند آن‌وقت هم اصلاح‌طلبان و هم روحانی برنده خواهند شد. دو دهه نخست انقلاب یعنی دقیقا قبل از دوم خرداد ۷۶ برای انتخابات همیشه از یک مدل کلیشه‌ای استفاده می‌شد. یک چهره سرشناس مثل آقای هاشمی‌رفسنجانی به عنوان کاندیدای اصلی نظام برای ریاست‌جمهوری به همراه چند کاندیدای غیراصلی مانند زواره‌ای، عسگراولادی، کاشانی یا شیبانی و... وارد گود رقابت می‌شد. تکلیف تحقیقا از قبل معلوم بود. حالا اما وضع به کلی فرق کرده است. از انتخابات ۷۶ به این سو دائما مردم دست رد به سینه کاندیدای مدافع وضع موجود می‌زنند. این را هم باید اضافه کرد برخلاف زمان دولت اصلاحات با اتهامات و تهدیدات جدی برخی نیروهای خاص روبه‌رو بود. دولت آقای روحانی با هیچ تهدیدی روبه‌رو نیست. آنچه از جانب لباس‌شخصی‌ها و گروه‌های فشار بروز می‌کند اتفاقی و پراکنده است. اساسا شخص روحانی برای اصولگرایان یک تهدید به حساب نمی‌آید. در حقیقت دولت روحانی بیشترین و بزرگ‌ترین فرصت‌های اقتصادی و سیاسی را برای تثبیت اصولگرایی معتدل و هم‌پیمانان سابق و لاحق فراهم ساخته است.

وطن امروز

پست‌ترازدشمن

● **حسین قدیانی:** ناراحتی از رأی‌نیاوردن مادر داعش! ناراحتی از رأی‌نیاوردن مادر تحریم‌های فلج‌کننده علیه ملت ایران! مع‌الأسف، آن‌قدر دوست داشتند هیلاری، با این کارنامه سوپرسیاه، رئیس‌جمهور آمریکا شود که ژانگولربازی‌های‌شان در صفحه نخست، «جهانی» شد! و آبروی رسانه ایرانی و اصحاب ایرانی رسانه را یکجا با هم برد! خوب شد دنیا، عکس یک روحانی و کلینتون را ندید! خوب شد فقط همان «خبر» دیده شد! طرفه حکایت اینجاست؛ با وجود این «بالاترین ننگ» قلم خود را در امتداد تاریخ مطبوعات این مملکت هم قلمداد می‌کنند! به واضع تحریم‌های فلج‌کننده علیه آحاد ملت ایران که می‌رسد، حمایت و هواداری لیکن به سردار شهید مدافع حرم امنیت وطن که می‌رسد، تیتر می‌زنند؛ «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد»! هیهات! شهید زنده است! و «محسن خزایی» زنده است! و خون مطهر او در جبهه شام، آبروی رفته را به جوهر قلم بازگرداند! مرده شمایید؛ با این همه ننگ! با این همه بی‌آبرویی! با این همه رسوایی! همان که برای هواداری از او، شرف خود را به کشتن دادید، خیلی خوب به شما آموخت که بعد از شکست در انتخابات، زنجیر نباید پاره کرد! و همان که برای هواداری از او، حیثیت خود را به ورطه مرگ فرستادید، حتی داروهای مورد نیاز بیماران را هم به فهرست بلندبالای تحریم‌های فلج‌کننده‌اش علیه ملت ایران اضافه کرد! اینک اما ملت ایران، استوار و باشکوه، ایستاده است! هنوز! و همچنان! و صدالبته آنچه فلج شده، آبروی اصحاب فتنه است!

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● احمدی‌نژاد: اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) باید برای مقابله با موضوع کاهش ارزش دلار تدبیری اندیشه کنند

● سخنگوی وزارت خارجه: به‌زودی شاهد دریافت سوخت و راه‌اندازی نیروگاه بوشهر خواهیم بود

● اعتراض مقامات آمریکایی به روابط چین و ایران

● دبیرکل جمعیت دفاع از ملت فلسطین: ایران در هر همایش به نفع ملت فلسطین حضور فعال خواهد داشت

● جانشین نیروی مقاومت بسیج اعلام کرد: «بسیج‌محوری» و «پایگاه‌محوری» دکترین جدید سپاه است

● سخنگوی دولت خبر داد: ابلاغ لایحه مدیریت خدمات کشوری از جانب رئیس‌جمهور

اعتماد

● در دیدار وزیر کشور از قطر عنوان شد: بانک‌های قطر تحت فشار آمریکا برای تحریم ایران نیستند

● احمدی‌نژاد درباره کاهش ارزش دلار اظهار کرد: این که دلار نیست، کاغذ است

● {رئیس دولت اصلاحات}: نیاز ضروری خاورمیانه دموکراسی است

● حدادعادل: به جبهه متحد اصولگرایان تعهد ندارم

● بانک مرکزی اعلام کرد: کسری بودجه ۶ هزار میلیارد تومانی دولت

● موسوی‌لاری، وزیر کشور دولت اصلاحات اعلام کرد: سیدحسن خمینی کاندیدا نمی‌شود

● رئیس کل دادگستری تهران: برخوردهای سلیقه‌ای همه را سرگردان می‌کند

● محمدنبی حبیبی، دبیرکل حزب مؤتلفه: عده‌ای برای انتخابات مجلس هشتم خواب ایجاد یک مجلس ششم دیگر را دیده‌اند

آفتاب

● معاون شورای عالی امنیت: رفتارهای غیرمنطقی آمریکا دور از انتظار نیست

● موسوی‌لاری، عضو ارشد مجمع روحانیون: راه برای پیوستن گروه‌های دیگر به ائتلاف اصلاح‌طلبان باز است

● سخنگوی وزارت خارجه: هنوز روس‌ها زمان راه‌اندازی نیروگاه بوشهر را مشخص نکرده‌اند

● سرپرست مجتمع قضائی امور اقتصادی: فساد اقتصادی و اداری در حال کاهش است

● وزیر اقتصاد: آمریکا در سرمایه‌گذاری‌های جدید نفتی ایران مشکل‌تراشی می‌کند

● سعود الفیصل ادعا کرد: مخالفت ایران با طرح پیشنهادی اعراب برای کنسرسیوم غنی‌سازی

● وزیر خارجه فرانسه: بر سر امنیت اسرائیل هرگز مصالحه نمی‌کنیم

جمهوری اسلامی

● سخنگوی وزارت خارجه: درباره تعلیق گفت‌وگو هم نمی‌کنیم

● وزیر تعاون: اقتصاد دولتی در ایران به اقتصاد مردمی تبدیل می‌شود

● سفیر ایران در عراق: آمریکا مانع تشکیل ارتش و پلیس حرفه‌ای عراق است

اطلاعات

● احمدی‌نژاد: ایران خانه همه آسیایی‌هاست، مرزهای کشور مانع از دوستی‌ها و برادری‌ها نیست

● رئیس‌جمهوری: سبد ارزی اوپک جایگزین دلار شود

● ایران و قطر تفاهم‌نامه امنیتی امضا کردند

● حدادعادل اخذ تعهد کتبی از جبهه متحد اصولگرایی را تکذیب کرد

● شورای نگهبان خبر داد: توافق با وزارت کشور نهایی نشده است

● وزیر نیرو: با اتصال شبکه برق ایران به سوریه و روسیه فصل جدیدی در صنعت برق کشور ایجاد خواهد شد